

گلایه کسبه بازارچه شهید آستانه پرست (حاج آقاجان) از ساخت وسازهای پیاپی

حفاری ها برای ما گران تمام می شود



هم قدم

چند ردیف جورابی را که درویرترین چیده است، نشان می دهد و می گوید: ماسال های سال است از این بازار خرج خانه را می دهیم. خدا را خوش نمی آید که نادیده مان بگیرند.

● ● عملیات عمرانی قبل از اجرای گذر تشریف

رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ثامن با اشاره به اینکه پروژه گذر بازارچه شهید آستانه پرست تا پایان سال آغاز خواهد شد، می گوید: گذرهای تشریف یکی پس از دیگری در برنامه کاری ما قرار دارد و سنگ فرش این بازارچه قدیمی نیز امسال انجام خواهد شد.

سید محمد حسین باغدار حسینی درباره حفاری های مکرر این بازار می گوید: باتوجه به اینکه بعد از احداث گذر تشریف، اجازه حفاری و اجرای عملیات را به سازمان های دیگر نمی دهیم، قبل از اجرا به دستگاه های خدمات رسان مانند اداره آب و گاز اعلام کردیم که هرگونه عملیاتی در این بازار دارند قبل از شروع پروژه انجام دهند.

باغدار ادامه می دهد: ماه قبل، پروژه کانال های سطحی بازار را اجرا کردیم و بعد از آن، اداره آب و فاضلاب، لوله کشی ها را انجام داد. اکنون نیز اداره گاز در حال اجرای نوسازی لوله کشی هاست که تا هفته آینده به پایان خواهد رسید. او یادآوری می کند: از کسبه می خواهیم کمی صبور باشند تا پروژه گذر تشریف به نفع زائر و مجاور به ویژه کسبه و به نحو احسن اجرا شود.

اجاره و کسب و کارش است، با صدای بلند و عصبانی می گوید: ماه قبل آمدند زمین را کنند و چند روز، ما را از کار انداختند. گفتند مربوط به کانال های آب است. باز دو هفته قبل، یک گروه دیگر زمین را کردند و هنوز مشغول اند؛ می گویند از اداره گاز است. یعنی چه که هر روز یک اداره زمین را بکند و کسی بر کار آن ها نظارتی نداشته باشد؟!

صابر مصطفوی که در این بازار حجره کوچکی دارد، می گوید: در خیلی از بازارها مسیر زائر درست کرده اند؛ مثلاً عیدگاه یا نوغان را ببینید. مگر ما از آن ها چه کم داریم که به این بازار قدیمی رسیدگی نمی کنند؟ به نظر تان این زمین با آسفالت تکه پاره مناسب زائر و کسبه است؟

نجمه موسوی کاهانی اکسبه بازارچه شهید آستانه پرست با دیدن دستگاه حفاری، نگران کسب و کارشان شدند و با ما تماس گرفتند. وقتی در بازار با آن ها همراه شدیم، متوجه شدیم از حفاری و اجرای پروژه قبلی در این بازار قدیمی زمان زیادی نمی گذرد و این پروژه های پیاپی، آن ها را نگران کرده است که با کم شدن تعداد مشتری نتوانند اجاره های سنگینشان را بپردازند.

● ● خسارت هر روز تعطیلی سنگین است

یکی از کسبه قدیمی این بازار که چند باب مغازه اش را اجاره داده است، می گوید: بازارچه حاج آقاجان به خاطر نزدیک بودن به درودی حرم در سمت خیابان طبرسی از قدیم پررفت و آمد بوده است و پاخور زیادی دارد. به همین دلیل اجاره های زیاد است.

علی هاشمی ادامه می دهد: هر روزی که در این بازار کنده کاری راه بیندازند، به ضرر کاسب است و یک روز از درآمدش عقب می افتد. مشتری ما مشهورند مشهدی نیست که خریدش را از امروز به فردا بپوشاند. زائری که در روز اینجاست، اگر ببیند راه بسته یا نا هموار است، از مسیر دیگر می رود و از مغازه های آنجا خرید می کند.

● ● این بازار را هم ببینید

محمد اصغری، کاسب جوانی که نگران



ساکن قدیمی پایین خیابان از روزهایی می گوید که تأمین آب خانه، نیاز به زور بازو داشت

تین آب ۱۷ کیلویی!



صندوق خاطرات



● ● سقا شدن در نبود آب لوله کشی

در دوره کودکی خسروی راد، آب لوله کشی وجود نداشت و آب آشامیدنی محل از یک پی آب نزدیک محل فعلی شهرداری ثامن تأمین می شد. تأمین آب این طور بوده که سقاها آب را با دو تین هفده کیلویی، که با طناب به چوبی می بستند و روی دوش حمل می شد، به خانه ها می آوردند و دو ریال دریافت می کردند. او خاطره بازی می کند و به یاد می آورد که، هفته ای دوبار آب می آوردند و ما این مقدار آب را به یک خمره سفالی منتقل می کردیم تا حفظ شود. چهارده ساله بودم که خودم برای خانه آب می آوردم. مسیر پی آب تا خانه در حالت عادی کوتاه

سمیرا شاهیان اعلی اکبر خسروی راد از چهره های قدیمی و ریشه دار محله پایین خیابان است؛ محدوده ای که نه تنها محل تولد و رشد او بوده، بلکه زندگی اش تا امروز با همین خیابان ها و کوچه ها گره خورده است. او سال ها در اداره بهزیستی خدمت کرده و از سال ۹۱ و پس از بازنشستگی، به عنوان عضو شورای اجتماعی محله در پیگیری امور مردم فعالیت داشته است.

● ● کودکی و ورود به کفاشی

خسروی راد از شش سالگی وارد حرفه کفاشی شد و نخستین تجربه های کاری خود را در کارگاه محمد علی در بازار عباسقلی خان آغاز کرد. چند سال بعد، حدود ده سالگی، مادرش را از دست داد؛ اتفاقی تلخ که کودکی او را تحت تأثیر قرار داد. او درباره فعالیتش در کفاشی چنین می گوید: پدرم، ابوالقاسم که باغ دار و اهل روستای اردمه (نزدیک غار مغان) بود، من را به کارگاه کفاشی برد تا پیش یکی از اقوامان، محمد علی، شاگردی کنم. آن زمان، در طبقه سوم بازار عباسقلی خان، همه مشغول کفاشی بودند و من اولین تجربه هایم را در آن محیط به دست آوردم. با گذر زمان، او به بازار کفاش هارفت، بازاری که امروز دیگر وجود ندارد و جای خودش را به توسعه بخشی از صحن های حرم مطهر داده است.

● ● جوی پهن و آب تنی کودکان

این ساکن قدیمی پایین خیابان همچنین از جوی پهن و گودی یاد می کند که آب آن تا پایین خیابان امتداد داشته است و می گوید: بچه های عیدگاه برای بازی و آب تنی به آنجا می رفتند. آن زمان می گفتیم غطه می خورند. ولی من به دلیل حضور افراد ناباب، کمتر نزدیک می شدم و فقط از دور تماشا می کردم. یکی از خاطرات برجسته خسروی راد، سیل بزرگ مشهد است که در حدود ده سالگی تجربه کرده است؛ «آن سال هم مثل حالا باران زیاد نبود، ولی یک باره طوری بارید که سیل راه افتاد و خانه ها را سیل برد. خانه های زیادی در مشهد آسیب دیدند و فروریختند. خاطرم هست خانه همسایه های ما هم خراب شد و بندگان خدا اثاثیه شان را وسط حیاط خانه ما گذاشته بودند.»

